



حال و هوای شهرم بوی شهریار ملک سخن را نمی‌دهد

با وجودی که امروز سالروز وفات استاد شعر و سخن و بزرگداشت روز شعر و ادبیات فارسی استاد شهریار است اما حال و هوای شهر تبریز بوی شهریار ملک سخن را نمی‌دهد.

با وجودی که امروز سالروز وفات استاد شعر و سخن و بزرگداشت روز شعر و ادبیات فارسی استاد شهریار است اما حال و هوای شهر تبریز بوی شهریار ملک سخن را نمی‌دهد.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، امروز بیست و هفتمین روز شهریور ماه به نام روز شعر و ادب نامگذاری شده است تا یاد کنیم از شهریار شعر سخن، شهرپاری که با شمشیر قلم در همه آفاق ملک دل‌ها را تسخیر کرده است تا در همه اعصار و قرون حرفی به یادگار داشته باشد. شهرپاری که از بطن مردم بود و چون شعرش درون مایه مردمی داشت، آنقدر جذاب و شیرین بود که تک به تک ابیات آن به دل می‌نشیند.

استاد محمدحسین شهریار از جمله مشاهیر و مفاخر ارزشمند فرهنگ ادب ایران اسلامی است که در جایگاه برترین‌های شعر و ادب گهربار ایران جای دارد، بی‌تردید وی در قرن اخیر آئینه تمام‌نمای فرهنگ و هویت اصیل ایرانی است؛ استاد شهریار که برخاسته از خاک پاک آذربایجان است از منظرهای گوناگون نماد و سمبل هویت اصیل ایرانی مردم این خطه است؛ آذربایجان که همواره مدافع هویت و اصالت ایرانی و ایرانیان بوده است بزرگان و فرزندان آن پرچمدار این جبهه دفاع بوده‌اند؛ استاد شهریار در شعر و ادب معاصر آذربایجان از جمله این فرزندان است که با شعر و ادب به مصاف نبرد با بیگانگان و بیگانه‌گرایان آمد.

شهریار از برجسته‌ترین شاعران معاصر و از جمله مشاهیر و مفاخر ارزشمند و همیشه به یاد ماندنی تاریخ، فرهنگ و ادب ایران زمین است که بدون شک این شاعر بزرگ در قرن حاضر به عنوان آئینه تمام‌نمای فرهنگ و هویت اصیل ایرانی اسلامی است.

شهرپاری که منظومه حیدربابای آن فراتر از تاریخ، زمان و مکان مرزها را در نوردیده و به صدها زبان خارجی ترجمه شده است.

* غزل معروف شهریار، علی ای همای رحمت

این شاعر پرآوازه کشورمان در سرودن انواع گونه‌های شعر فارسی مانند غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، رباعی و شعر نو نیمایی تبحر داشت؛ از جمله غزل‌های معروف او می‌توان به «علی ای همای رحمت» اشاره کرد.

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را // که به ماسوا فکندی همه سایه‌ی هما را

دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین // به علی شناختم به خدا قسم خدا را

به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند // چو علی گرفته باشد سر چشمه ی بقا را

مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ // به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن // که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

بجز از علی که گوید به پسر که قاتل من // چو اسیر تست اکنون به اسیر کن مدارا

بجز از علی که آرد پسری ابوالعجائب // که علم کند به عالم شهدای کربلا را

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت // متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را

با وجودی که امروز سالروز وفات استاد شعر و سخن و بزرگداشت روز شعر و ادبیات فارسی است اما حال و هوای شهر من بوی شهریار ملک سخن را نمی‌دهد.

انگار شهر من با شاعر خوش ذوق خودش غریبه است، ظاهراً متولیان فرهنگ و ادب شهر من خود را مسئول فرهنگی شهر نمی‌دانند یا شاید هم از یادشان رفته است که شهریار شیرین سخن متعلق به این آب و خاک است.

کوچه‌ها و خیابان‌های شهرم هیچ تابلو نوشته‌ای ندارند که سالروز وفات استاد شهریار و روز گرامیداشت شعر و ادبیات فارسی را در ذهن من شهروند زنده کند تا برای لحظه‌ای هم که شده فارغ از گرفتاری‌ها و روزمره‌گی‌های زندگی شهری شاید حافظه‌ام یاری کرده و هر چند کوتاه غزل‌های این شاعر مردمی را با خود زمزمه کنم.

هر چند که برخی از مسئولان طی سال‌های گذشته از تجهیز و توسعه خانه موزه شهریار سخن گفته بودند ولی در عمل چیزی را شاهد نیستیم و از سوی دیگر مقبره الشعرای تبریز هم در حصار سازه‌های ناموزون شهری گرفتار شده است.

بی‌مهری‌های متولیان و مسئولان فرهنگی شهر تنها به استاد شهریار ختم نمی‌شود، بی‌مهری‌هایی که در حق عرفا، ادبا و بسیاری از شاعران صورت می‌گیرد شایسته نام تبریز نیست. ما نام سه علامه را بر دوش می‌کشیم، علامه‌هایی که همیشه آبروی تبریزند و نام شهرم را شهره آفاق می‌کنند؛ علامه امینی که حریم ولایت را پشتیبان است و علامه طباطبائی مفسر کبیر قرآن مجید و علامه جعفری که فلسفه را امانت‌دار است.

وقتی با خود اندیشیده و پرونده مدیریت فرهنگی مسئولان شهرم را مرور می‌کنم می‌بینم در حق این بزرگواران نیز عمل قابل قبولی انجام نشده است. در طول سال نه بزرگداشتی در مقام سه علامه تبریزی صورت می‌گیرد و نه در روزهای تولد یا وفات این سه بزرگوار بنر و تابلو نوشته‌ای که نشان از نکوداشت این بزرگواران باشد در شهر نصب و اطلاع‌رسانی می‌شود.

برگزاری چند مراسم بدون فضاسازی شهری را نمی‌توان یاد شاعر بزرگی چون شهریار دانست به طوری که امروز فضای شهر تبریز با شهرهای دیگر ایران فرقی نمی‌کند.

ادارات و سازمان‌های استان نیز در این بدسلیقگی سهیم بوده به طوری که حداقل در بنرهای تبریک عید غدیر می‌توانستند از شعر علی ای همای رحمت استاد شهریار استفاده کرده تا به نحوی یاد این شاعر بزرگ را گرامی بدارند.

بدون شک آیندگان و تاریخ در مورد رفتارها و عملکرد ما به قضاوت می‌پردازند، آنها بزرگداشت بزرگان و نخبگان و انسان‌های شایسته و فرهیخته را از نسل فعلی می‌آموزند و اگر ما سرمایه‌گراندردی از خود به یادگار نگذاریم بنابراین باید پاسخگوی نسل فردا باشیم.

در پایان شعری از استاد شهریار را مرور می‌کنیم

یاران چرا به خانه ما سر نمی‌زنند // آخر چه شد که حلقه بدین در نمی‌زنند

دایم پرنده‌اند به هر بام و بر دلی // دیگر به بام خانه ما سر نمی‌زنند

پنداشتند همچو درختی تکیده‌ام // سنگی از آن به شاخه بی‌بر نمی‌زنند

چرخد نظام کار به دوران به سیم و زر // دستی به کار مضطر بی‌زر نمی‌زنند

یا رب چه شد گروه طبیبان شهر ما // سر بر من فتاده به بستر نمی‌زنند

یاران چرا که لاله عذاران روزگار // تیر نگه به قلب مکدر نمی‌زنند

دستی برم به زلف سمن سا که عاشقان // چنگی چو من به زلف معنبر نمی‌زنند

بر مدعی بگو که ستیزد ز روبرو // مردان ز پشت حربه و خنجر نمی‌زنند

با من مجنگ جان برادر که عاقلان // اندوده پیش مهر منور نمی‌زنند
من رندم و قلندر و مفلس در این دیار // دزدان راه ره به قلندر نمی‌زنند
جور و ستم گرفته سراسر جهان ما // یا رب چه شد که حد به ستمگر نمی‌زنند
مردم دریغ مرده پرستند شهریار // کاندلر حیات سر به هنرور نمی‌زنند

بدون شک تبریز به دلیل جای دادن به عارفان و شاعران بی‌شمار از این حیث بسیار غنی و پربارتر است و امروزه در دشت سرزمین ایران کمتر جایی را می‌توان یافت که نام و نشانی از سروده‌های شهریار در آن نباشد و شمار اندکی از مردم را می‌توان دید که بیته، قطعه‌ای یا غزلی از این شاعر معاصر پرآوازه را بر لوح خاطر نسپرده باشد و این نشانه‌ای است از نفوذ معنوی کلام شاعر بر سراچه دل آشنا و بیگانه.

پس شهریار و در کل مقبره‌الشعرا، تنها متعلق به تبریز و ایران نیست بلکه مقبره‌الشعرا و شهریار متعلق به کل جهان است و این اهمیت و جایگاه ملی مقبره‌الشعرا به عنوان یک مکان تاریخی و فرهنگی، توجه مضاعفی را از سوی دولتمردان می‌طلبد.

و اکنون که آذربایجان از پایگاه شایسته و پیشینه درخشان خود فاصله گرفته بر تمامی مسئولان دلسوز، اندیشمندان، نمایندگان مجلس و علاقه‌مندان به این خطه، فرض است تا با همفکری و تلاش و مجاهدتی مضاعف، مسیر گمشده توسعه فرهنگی استان را بازیافته و آن را در مسیر احیای مجد و عظمت گذشته خود یاری دهند.

به هر حال همچنان که وحید و ام‌البنین حسین‌زاده در کتاب مقبره‌الشعرا تبریز آورده‌اند: اینکه شاعران مدفون در مقبره‌الشعراء، خفتن در جوار شهریار را بیشتر برای خود مایه مباهات می‌دانند یا شهریار برای آرام گرفتن در معروف‌ترین مقبره‌الشعرا ایران بر خود می‌بالد دقیقا نمی‌توان گفت، اما در هر صورت، تبریز برای داشتن این همه گوهر گرانبها در خاک عنبرینش می‌بالد و افتخار می‌کند.